

پس حج و غایبیم در حجت پیش یعنی شما را هیچ ضرورتی من اینجا  
شما غایب بودید که در کفران خود انباشته و من در میان شما  
نباشم پس هر شخصی که آرنده حجت است بر کذب و حال از  
نفس خود یعنی امر بر سرش است و این تردید بر این است که  
اجل خود معلوم نیست و الله تعالی خلیفه است بر هر مسلم و  
باقی دارنده اسلام مسلم است و بدستیکه این حال  
چرا نخواهد بود یعنی پوشش سیاه خواهد بود و در روی و چو  
در چشم که بلب است و شبی نخواهد بود بعد از این  
و هر کسی که در یا بدجال از شما پدید آید بر سر تو از سرور  
این نپایه است او را از جلال و در روایت مسلم و بخاری از  
عبداللہ بن عواد ما روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و سلم  
بدستیکه از منافقین است بر شما بدستیکه از منافقین است  
و هیچ در حال جور چشم است که یا که چشم در عین طاقی

در کتب

هر نفس بجهت و در روایت مسلم از خدا فیض واقع است که  
حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند که هر کس چشم چشم سیم است  
روایت نظر معانی و آیت اولی است و در روایت بخاری  
از عباده ابرار است آمده که فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم که بدستیکه  
بر حایت کردم شما را از جلال کین خوف سیم که شما فهمیده باشد  
پس فهمید که معنی حال قصیر است و بدستیکه در حال سعاد  
خواهد بود و او را عور مطوس العین خواهد بود و در چشم کور می  
و نه غایب این بیان مشهور است پس اگر کتب کرد و امر در حال  
پس بدانید که رب شما انوریت و این حدیث اگر چه دلالت  
دارد در حال قصیر است لیکن این مقامات ندارد با آنکه سابق گفته  
در حدیث قبلی که عظیم الخلق است بجهت آنکه شما بدجال این  
عظیم الخلق است و در طول قصیر است و بلا علی قاری گفته که این  
حدیث مناسب گفته است لیکن از حدیث معلوم